



بررسی رابطه خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی در دانشجو - معلمان دختر دانشگاه فرهنگیان یزد

شکوفه رحیم‌پور^۱، افسانه رئیسی^۲، سعیده رامش^۳

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

چکیده:

پژوهش حاضر، با هدف بررسی رابطه خلاقیت شناختی با مهارت‌های فراشناختی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، انجام شده است. روش پژوهش توصیفی - همبستگی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دختر دوره کارشناسی امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا(س) یزد به تعداد ۹۰ نفر است که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ در این دانشگاه، مشغول به تحصیل بودند. کل جامعه با روش نمونه‌گیری سرشماری، انتخاب شدند و در نهایت ۷۰ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه خلاقیت هیجانی آوریل و نولز (۱۹۹۱) با ضریب پایایی ۰/۸۰ و پرسشنامه مهارت‌های فراشناختی استرلینگ و همکاران (۲۰۰۲) با ضریب پایایی ۰/۷۸ بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده، نتایج نشان می‌دهد که بین خلاقیت هیجانی و مهارت‌های فراشناختی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. براساس نتایج به دست آمده ارتقا و رشد خلاقیت هیجانی و مهارت‌های فراشناختی دانشجو - معلمان در سطح دانشگاه فرهنگیان یزد، لازم است مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مهارت‌های فراشناختی، خلاقیت هیجانی، دانشجو - معلم، دانشگاه فرهنگیان یزد.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران. Zhrarahimi717@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی امور تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران. raisi1380nyma@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی امور تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران. ramesh8538@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

بیشرفت و ترقی جوامع انسانی در گرو تأمین نیروی انسانی ماهر و متخصص، به منظور اداره مطلوب بخش‌های مختلف است. جوامعی که در این زمینه تلاش بیشتری داشته‌اند، نتایج موفقیت‌آمیزی را در حرکت پرشتاب رشد اقتصادی و اجتماعی کسب کرده‌اند. نقش دانشگاه فرهنگیان در آموزش و پرورش، صرفاً تعلیم دروس، انتقال میراث فرهنگی نسل‌های گذشته به نسل جدید و پرورش قوای ذهنی دانش‌آموزان نیست؛ بلکه فراتر از آن‌ها، رشد و پرورش دانش‌آموزان در ابعاد جسمانی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی است که از اهداف اصلی نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود. با توجه به اهداف ذکر شده، رسالت دستگاه آموزش و پرورش در دانشگاه فرهنگیان، بیش از پیش سنگین‌تر و حساس‌تر شده و ضرورت انجام تغییرات اساسی در ساختار، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و پرورشی آن گریزناپذیر است (رحیمی، ۱۳۹۵).

در سال‌های اخیر، رشد مهارت‌هایی که مدیریت یادگیری را افزایش دهد؛ کانون عمده تحقیقات روان‌شناسی تربیتی را به خود اختصاص داده است. یکی از این مهارت‌ها، فراشناخت^۱ است. واژه فراشناخت، اولین بار توسط فلاول^۲ (۱۹۷۹) استفاده شد. او فراشناخت را به عنوان هرگونه دانش با عمل شناختی که موضوع آن فعالیت‌های شناختی و تنظیم آن است؛ تعریف نمود. محققان و متخصصان تعلیم و تربیت به طور وسیع، به نوع و سطح دانش مورد نیاز فراگیران علاقه‌مند هستند و این امر مستلزم تأکید نظام‌های آموزشی بر آموزش‌های فراشناختی و یادگیری چگونگی یادگرفتن است تا فراگیران بتوانند در برخورد با مسائل گوناگون به طور مستقل، بیاندیشند. فراشناخت به استعداد درک و کنترل مطلب مورد یادگیری اطلاق می‌شود و نقش بسیار مهمی در بهبود و گسترش عملکردهای شناختی داشته، قادر است مهارت‌های یادگیری فراگیران را توسعه بخشد. راهبردهای فراشناختی عبارت است از تکنیک‌هایی که به فراگیران یاد داده می‌شود تا بتواند ضمن نظارت بر جریان



دانشگاه گیلان

۵۲

سال اول، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۱

یادگیری، فرآیندهای ذهنی خود را هم، هدایت کنند. راهبردهای فراشناختی شامل برنامه-ریزی، کنترل، نظارت و نظم‌دهی می‌شود (سیف، ۱۳۹۲، ص ۵۶). فراشناخت، نقشی اساسی در یادگیری موفقیت‌آمیز ایفا می‌کند و هرچه توانایی‌های شناختی فراگیر بالاتر باشد، فرآیند یادگیری نیز موفقیت‌آمیزتر خواهد بود. به عبارتی، فراگیر باید در یادگیری خود با ایفای نقشی فعال، یاد بگیرد که یادگیری خود را ارزیابی کند و اگر راهبردهای یادگیری او موفق نبود، از راهبردهای جدید را جایگزین نماید. مهارت‌ها و راهبردهای یاد شده به فرد امکان انتخاب، کنترل، نظارت، مدیریت و در نتیجه بهبود فرآیندهای شناختی را خواهد داد. بنابراین لازم است فراگیران در زمینه مهارت‌هایی از قبیل نظام‌دهی، نظارت بر خود، برنامه-ریزی و تعیین هدف، آموزش لازم را ببینند تا بر راهبردهای شناختی خود مسلط و پایه یادگیری‌های جدید ایجاد گردد. در غیر این صورت حل تکالیف جدید که قبلاً با آن مواجه نشده‌اند، برایشان مشکل خواهد بود (پالینسکار و براون^۱، ۱۹۸۴).

یکی دیگر از مهارت‌های لازم برای رشد حرفه‌ای معلمان، که می‌تواند نقشی تعیین‌کننده‌ای در رویکرد تدریس آن‌ها داشته باشد، خلاقیت هیجانی^۲ است که از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان، به حساب می‌آید. تحقیقات مربوط به تصویربرداری از مغز، نشان می‌دهند که فعالیت مغزی در حین اجرای تکالیف خلاقانه نیازمند به تفکر واگرا با فعال شدن شکنج پیشانی زیرین و نواحی بالاتر شکنج پیشانی، همراه است (وال و ایس^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). خلاقیت هیجانی را ابراز خود به روشی جدید که براساس آن خطوط فکری فرد گسترش یافته و روابط میان فردی او افزایش می‌یابد، تعریف کرده‌اند (آرویل و نانلی^۴، ۱۹۹۲). مایر و سالووی^۵ (۱۹۹۷) نیز خلاقیت در هیجان‌ها را مانند راهی جهت‌رهایی از هیجان‌های پیچیده و مشکل‌ساز یا نفوذ در هیجان‌ها تعریف کرده و امیدوار هستند به وسیلهٔ این چنین کنترل‌ها در هیجان‌ها، سطوح رفتارها متعادل‌تر شود (تقوی، ۱۳۹۵). خلاقیت در انسان به آینده‌نگری، ابتکار و حل مسأله کمک می‌کند. این موارد از جمله مهم‌ترین



1. Palinscar & Brown
2. Emotional creativity
3. Valois
4. Averill & Nunley
5. Mayer & Salovey



حلقه‌های گم شده در چرخه توسعه کشورهای کمتر توسعه یافته، هستند و علت مواجه شدن جوامع بشری با سرعت زیاد تبادل اطلاعات، نیاز به خلاقیت برای توسعه گریزناپذیر است (سعیدی مبارکه و احمدپور، ۱۳۹۰).

خلاقیت هیجانی شامل مفاهیمی چون بداعت، صداقت و اثربخشی است. بداعت یعنی توانایی تغییر در هیجان‌ات رایج فرد می‌باشد. اثربخشی به هماهنگی پاسخ خلاق با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد، به گونه‌ای که برقراری روابط مطلوب با دیگران را امکان‌پذیر کند و موجبات بهبود شیوه تفکر فردی را نیز فراهم نماید. صداقت در بروز هیجان‌ات نیز بدین معنی است که هیجان‌ات باید برخاسته از باورها و اعتقادات فرد باشد (جوکار و البرزی، ۱۳۸۹). خلاقیت اغلب تجلی و نمایش بیان آزاد است و در میان فرایندهای عالی تفکر در بالاترین سطح قرار گرفته است در مقابل هیجان‌ات اغلب نشان‌دهنده برانگیختگی‌های درونی افراد است به گونه‌ای که فرد را در ارائه پاسخ محدود می‌سازد. دیدگاه رایج در زمینه هیجان‌ات بیشتر بر این عقیده است که این پاسخ‌های اولیه زیستی است و توسط سیستم عصبی خود مختار و بازنمایی‌های سیستم لیمبیک کنترل و تعدیل می‌گردد. اگرچه این برداشت سنتی از هیجان جایگاه خود را از دست داده است، اما هنوز تأثیر ظریف قوی خود را به خصوص درباره هیجان اولیه، اعمال می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۸). گسترش خلاقیت هیجانی یکی از چالش‌های مهم نظام‌های آموزش و پرورش برای برقراری ارتباط معلمان با دانش‌آموزان، مؤثر بوده و منجر به افزایش موفقیت تحصیلی و کاهش شکست تحصیلی در مدرسه می‌شود. در سال‌های اخیر تحقیق درباره خلاقیت از توجه بر اصول کلی در خصوص منشأ خلاقیت و ویژگی‌های افراد خلاق، به تمرکز بر حوزه‌های حرفه‌ای و نقش محیط اجتماعی و فرهنگی تغییر نموده است. این رویکرد در آثار افرادی مانند گاردنر^۱ (۱۹۹۳)، سیکزنت می‌هالی^۲ (۱۹۹۶) و یه^۳ (۲۰۰۰) به چشم می‌خورد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری با محوریت مهارت‌های فراشناختی انجام شده است که در بین

1. Gardner
2. Csikzentmihalyi
3. Yeh

آنها بررسی رابطهٔ خلاقیت هیجانی با فراشناخت هم مشاهده می‌شود از جمله اوراکی و داران لی^۱ (۲۰۲۳) که در پژوهشی به منظور بررسی رابطهٔ تفکر خلاق و فراشناخت و نقش آن بر خودمختاری و خودکارآمدی معلمان، انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که تفکر خلاق و همچنین فراشناخت نقش واسطه‌ای در رابطه با خودمختاری و خودکارآمدی معلمان ایفا می‌کند. مای و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان افزایش خلاقیت با کمک آموزش مهارت‌های فراشناختی به این نتیجه رسیدند که خلاقیت را می‌توان از طریق توسعه مهارت‌ها با استفاده از جمله فراشناخت افزایش داد، تولید ایده‌های جدید سرعت بخشید و نیز تفکر انعطاف‌پذیر عمومی را بهبود داد. پریس^۳ و همکاران (۲۰۱۹)، در یک مطالعهٔ اکتشافی با هدف بررسی ارتباط توجه، فراشناخت و خلاقیت کلامی در دانش‌آموزان انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که فراشناخت و توجه با خلاقیت رابطهٔ مثبت داشته و آن را به طور معناداری پیش‌بینی می‌کند. پنکوئن و همکاران^۴ (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که راهبردهای مقابله‌ای برون‌ریزی هیجانی و تفکر منطقی با تجربه فراشناختی رابطه مثبت معناداری دارد و هنگامی که فرد با مشکلی روبه‌رو می‌شود، تجارب فراشناختی به حل مسائل روزانه او، کمک می‌نماید. سالاری‌فر و همکاران (۱۴۰۰) به منظور بررسی نقش دانش فراشناختی، حالت فراشناختی و باورهای فراشناختی در خلاقیت هیجانی، مورد پژوهش قرار دادند. یافته‌ها، گویای این نکته بود که رابطه‌ای مثبت بین دانش فراشناختی و خلاقیت هیجانی وجود دارد و وجود باورهای فراشناختی و نیز تقویت و بهبود دانش فراشناختی و حالت فراشناختی، خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. احمدی (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی که در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی انجام داد به این نتیجه دست یافت که بین خلاقیت هیجانی و مهارت‌های فراشناختی همبستگی معنادار وجود دارد و نقش خلاقیت هیجانی در تبیین مهارت‌های فراشناختی دانشجویان تأثیر زیادی داشته





است. بابا امیری و عاشوری (۱۳۹۳)، در پژوهشی با هدف بررسی ارتباط میان راهبردهای یادگیری شناختی و فراشناختی، خودکارآمدی، خلاقیت و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی انجام شد. یافته‌های این پژوهش، نشان داد که میان بسط‌دهی، سازمان‌دهی، تفکر انتقادی، خودنظم‌دهی فراشناختی، خودکارآمدی، خلاقیت و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. همچنین معنوی‌پور (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان رابطه خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی با مهارت‌های فراشناختی و با هدف تعیین نقش خلاقیت شناختی و خلاقیت هیجانی در تبیین مهارت‌های فراشناختی در بین دانشجویان، انجام دادند و نتایج پژوهش، نشان داد که بین خلاقیت شناختی و خلاقیت هیجانی و مهارت‌های فراشناختی همبستگی معناداری وجود دارد. خلاقیت شناختی ۱/۴۶ درصد و خلاقیت هیجانی ۹/۵۲ درصد از واریانس مهارت‌های فراشناختی را تبیین می‌کنند.

فراشناخت به دانش و تنظیم فرآیندهای شناختی خود اشاره دارد که به عنوان یکی از اجزای حیاتی تفکر خلاق در نظر گرفته شده است. با این حال، ادبیات کنونی در مورد ارتباط بین تفکر خلاق و فراشناخت بحث‌برانگیز است و به نظر می‌رسد نقش اساسی فراشناخت در فرآیند خلاقیت به اندازه کافی بررسی و توضیح داده نشده است. این بررسی بر نقش جنبه‌های مختلف فراشناخت (یعنی دانش فراشناختی، تجربه فراشناختی، نظارت و کنترل فراشناختی) در تفکر خلاق متمرکز است و خلاصه‌ای از مکانیسم‌های عصبی - شناختی را ارائه می‌دهد که از فراشناخت و ارتباط آن با خلاقیت پشتیبانی می‌کنند (جیا و کائو^۱، ۲۰۱۹). با توجه به مبانی نظری مطرح شده و نتایج پژوهش‌های ارائه شده، به نظر می‌رسد که مهارت‌های فراشناخت و خلاقیت هیجانی علاوه بر ارتباطی که با هم دارند، نقش قابل توجهی هم در رشد مهارت‌های حرفه‌ای در معلمان ایفا می‌کنند. البته، نیاز است به طور مشخص به بررسی اثرات تعاملی خلاقیت و سازه فراشناخت و مؤلفه‌هایش، نیز پرداخته شود. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که خلاقیت و مهارت‌های فراشناختی از ویژگی‌های بر موفقیست افراد اثرگذار است؛ از این رو توجه به زمینه‌های رشد خلاقیت و



آموزش مهارت‌های فراشناختی، به دانشجو - معلمان، آن‌ها را در راستای مدیریت یادگیری خود در محیط دانشگاه و رشد حرفه‌ای و در ادامه انتقال این مهارت‌ها به دانش‌آموزان، توانمند می‌سازد؛ زیرا فعالیت‌های آموزشی و یاددهی - یادگیری دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، در فاصله‌ای کوتاه به محیط آموزشی مدارس کشور، منتقل می‌شود. معلمان خلاقیتی که خود در زمینهٔ مهارت‌های فراشناختی از توانایی کافی برخوردار باشند، می‌توانند، در آموزش یادگیرندگان هم، بهتر عمل کنند. همچنان که راندی و کورنو^۱ (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که اهمیت یادگیری خودتنظیم و مهارت‌های فراشناختی چالش‌هایی را برای اهداف تربیت معلم در مورد آموزش حرفه‌ای معلمان ایجاد کرده است، زیرا محققان بر این باورند که توانایی توسعه مهارت‌های خود تنظیمی و فراشناخت در دانش‌آموزان با خود تنظیمی خود معلمان هم در یادگیری و هم در تدریس همراه است. آنان فکر می‌کنند که اگر معلمان در یادگیری خود تنظیمی و فراشناخت خودشان ناتوان باشند؛ برای آنان دشوار است که این توانایی را بین دانش‌آموزان خود گسترش دهند. بنابراین با توجه به ضرورت استفاده از راهبردهای فراشناختی و رشد خلاقیت هیجانی در بین دانشجو معلمان و با توجه به پژوهش‌های اندک صورت گرفته و خلأ احساس شده در این زمینه، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی دانشجو معلمان رشته امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا(س) یزد انجام گرفت. با توجه به مطالب ذکر شده، سؤالات اساسی در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- آیا بین خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی دانشجو - معلمان، رابطه معناداری وجود دارد؟

۲- آیا متغیر خلاقیت هیجانی و مؤلفه‌های آن بر مهارت‌های فراشناختی دانشجو - معلمان مؤثرند و توانایی پیش‌بینی آن را دارند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش - های توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر



دوره کارشناسی امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا(س) یزد، ۹۰ نفر از دانشجویانی هستند که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ در این دانشگاه، مشغول به تحصیل بودند. کل جامعه با روش نمونه‌گیری سرشماری، انتخاب شدند و در نهایت ۷۰ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌های ذیل استفاده شد:

پرسشنامه خلاقیت هیجانی آوریل و نولز^۱: به منظور سنجش خلاقیت هیجانی؛ از پرسشنامه خلاقیت هیجانی آوریل استفاده شد. این پرسشنامه توسط آوریل و نولز (۱۹۹۱) طراحی و اعتباریابی شده است. این ابزار چهار بعد خلاقیت هیجانی یعنی «آمادگی»، «نوآوری»، «کارایی» و «اصالت» را اندازه‌گیری می‌نماید. این ابزار دارای ۵۰ گویه (۳۰ گویه اصلی و ۲۰ گویه خنثی) است. ۳۰ گویه اصلی شامل ۷ عبارت برای آمادگی، ۱۴ گویه برای نوآوری، ۵ گویه برای کارایی و ۴ گویه برای اصالت می‌باشد. چهار ملاک مزبور در چارچوب سه خرده مقیاس آمادگی، نوآوری، اثربخشی-اصالت در آزمون خلاقیت هیجانی اندازه‌گیری می‌شود. این مقیاس فقط برای اهداف غربالگری در زمینه خلاقیت هیجانی طراحی شده است. استفاده از این ابزار در ایران برای نخستین بار توسط قدیری نژادیان (۱۳۸۱) انجام شده است. این آزمون در یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی کمتر - تا حدی کمتر - تقریباً برابر - تا حدی بیشتر - خیلی بیشتر) تنظیم شده است. پاسخ‌دهنده به هنگام پاسخگویی به ۳۰ گویه پرسش‌نامه باید در بیان احساس‌ها، تجربه، هیجان‌ها و اندیشه‌ها، خود را با یک فرد معمولی مقایسه کند و گزینه خیلی بیشتر یا ۵ را هنگامی علامت بزند که گویه درباره او، کاملاً صدق می‌کند و گزینه خیلی کمتر یا ۱ را هنگامی علامت بزند که شدیداً مخالف گویه است یا به عبارتی درباره او صدق نمی‌کند. حداکثر نمره هر مؤلفه ۵ و حداقل نمره هر مؤلفه ۱ است. آوریل با روش آلفای کرونباخ پایایی نمره کل خلاقیت هیجانی را ۰/۹۱ و پایایی ابعاد آمادگی، اثربخشی، صداقت و بداعت را به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۹، ۰/۸۰، ۰/۸۵ به دست آورد. به منظور سنجش روایی از روش تحلیل عامل استفاده شد. نتیجه تحلیل عامل در نهایت سه بعد، نوآوری، آمادگی و اثربخشی/

بررسی رابطهٔ خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی در دانشجو ...

اصالت را نشان داد (آوریل، ۱۹۹۹). هاشمی (۱۳۸۸) پایایی کل آزمون را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ و ضرایب پایایی خرده مقیاس‌های آمادگی ۰/۶۴، نوآوری ۰/۸۵ و اثربخشی/اصالت ۰/۷۱ برآورد کرده است. عبدالمهی و همکاران (۱۳۸۷)، روایی سازه خلاقیت هیجانی را از طریق محاسبه ضریب همبستگی میان مواد آزمون با عوامل هر ماده به طور میانگین ۰/۵۰ گزارش نموده است. در پژوهش حاضر با استفاده از آزمون کرونباخ پایایی پرسشنامه بررسی شد که ضریب پایایی ۰/۸ به دست آمد.

پرسشنامه خودگزارشی فراشناخت اسپرلینک و همکاران: این پرسشنامه توسط اسپرلینک و همکاران به منظور اندازه‌گیری فراشناخت تنظیم شده و به صورت مقیاس خود گزارش‌دهی با طیف لیکرت است و فراشناخت را با توجه به سه سطح دانش فراشناختی و پنج مهارت تنظیم فراشناختی ارزیابی می‌کند. پرسشنامه ۱۲ گویه دارد با سه گزینه برای پاسخ (هرگز، گاهی اوقات و همیشه) نمره فراشناخت هر فرد در طیفی از ۱۲ تا ۳۶ قرار می‌گیرد. روایی پرسشنامه، طبق مطالعه اسپرلینک و همکاران (۲۰۰۲)، حاکی از این است که، بین سؤالات آزمون، همبستگی درونی وجود دارد و پرسشنامه می‌تواند هر دو عامل (دانش و مهارت) را محاسبه نماید. بررسی ساختار عاملی، نشان داد که عامل اول، تنظیم فراشناختی را اندازه‌گیری می‌کند (۶ گویه) و عامل دوم، دانش فراشناختی را اندازه‌گیری می‌نماید (۶ گویه) که همبستگی معناداری بین دو عامل وجود دارد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۶۹ به دست آمد. این ضریب نشانگر پایایی معنادار این پرسشنامه است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه بررسی و ضریب پایایی ۰/۷۸ به دست آمد.

یافته‌ها:

تحلیل توصیفی داده‌ها:

شاخص‌های میانگین، انحراف استاندارد، حداقل مقدار و حداکثر مقدار هر یک از متغیرهای مهارت‌های فراشناختی و خلاقیت هیجانی، در جدول (۱) ارائه شده است.



جدول ۱. توصیف خرده مقیاس‌های خلاقیت هیجانی با مهارت فراشناختی

متغیر	بعد	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
مهارت‌های فراشناختی	برنامه‌ریزی	۷۰	۳۵/۳	۸/۷۵	۱۷	۵۰
	نظم‌دهی	۷۰	۲۴/۲	۶/۰۷	۱۱	۳۵
	کنترل	۷۰	۳۰/۸۴	۶/۶۳	۱۵	۴۳
خلاقیت هیجانی	نمره کل	۷۰	۹۰/۳۴۳	۱۹/۹۳	۴۵	۱۲۶
	صداقت	۷۰	۱۲/۹۷	۳/۷۶	۵	۲۰
	بداعت	۷۰	۴۶/۷۲	۶/۹۳	۲۸	۶۶
	اثربخشی	۷۰	۱۶/۶۸	۳/۱۸	۶	۲۳
	آمادگی	۷۰	۲۳/۵۱	۴/۲۶	۱۴	۳۱
	نمره کل	۷۰	۱۹۰/۲۴۳	۳۲/۳۶	۱۲۵	۲۵۴



تحلیل استنباطی داده‌ها:

برای استفاده از آزمون آماری مناسب ابتدا با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف نرمال بودن توزیع داده‌ها بررسی شده، نتایج این آزمون در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون کلموگروف- اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره کلموگروف	درجه آزادی	سطح معناداری
مهارت‌های فراشناختی	۰/۱۵۵	۲۲	۰/۱۸۶
خلاقیت هیجانی	۰/۱۲	۲۲	۰/۲

با مشاهده آماره کولموگروف - اسمیرنوف و سطح معناداری در جدول (۲) مشخص شده است که متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال هستند، زیرا سطح معناداری آن بالاتر از ۰/۰۵ است. بنابراین برای بررسی سؤالات پژوهش می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

سؤال اول پژوهش: آیا بین خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی دانشجو معلمان، رابطه معناداری وجود دارد؟

به منظور پاسخگویی به این سؤال، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره (۳) نشان داده شده است.

بررسی رابطهٔ خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی در دانشجو ...

جدول ۳. همبستگی بین متغیرهای خلاقیت هیجانی با مهارت فراشناختی

سطح معناداری	مهارت‌های فراشناختی همبستگی (r)	مؤلفه خلاقیت هیجانی
۰/۰۰۰۱	۰/۶۵۳	صداقت
۰/۰۰۰۱	۰/۶۵۸	بداعت
۰/۰۰۰۱	۰/۶۰۶	اثربخشی
۰/۰۰۰۱	۰/۴۳۵	آمادگی

طبق نتایج جدول (۳)، مقادیر ضریب همبستگی به دست آمده بین مؤلفهٔ صداقت با مهارت‌های فراشناختی، برابر ۰/۶۵۳ و ضریب همبستگی مؤلفهٔ بداعت با مهارت‌های فراشناختی برابر ۰/۶۵۸ است که در بین مؤلفه‌های خلاقیت هیجانی شدت همبستگی بالایی را نشان می‌دهد. همچنین میزان همبستگی بین مؤلفه اثربخشی با مهارت‌های فراشناختی ۰/۶۰۶ و همبستگی بین مؤلفه آمادگی با مهارت فراشناختی ۰/۴۳۵ به دست آمد.

سؤال دوم پژوهش: آیا متغیر خلاقیت هیجانی و مؤلفه‌های آن بر مهارت‌های فراشناختی مؤثرند و توانایی پیش‌بینی آن را دارند؟
برای پیش‌بینی مهارت‌های فراشناختی از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج رگرسیون چندگانه خلاقیت هیجانی با مهارت فراشناختی

مدل	ضریب غیراستاندارد		R ²	R	ضریب استاندارد	t	سطح معناداری
	B	Std. Error					
صداقت	۱/۴۹۸	۰/۶۹۳	۰/۵۲۹	۰/۵۵۶	۰/۲۸۳	۲/۱۶۱	۰/۰۳۴
بداعت	۱/۰۵۱	۰/۳۱۰			۰/۳۶۶	۳/۳۸۸	۰/۰۰۱
اثربخشی	۱/۳۲۱	۰/۷۴۲			۰/۲۱۱	۱/۷۸۱	۰/۰۰۸
آمادگی	۰/۰۳۵	۰/۵۰۶			۰/۰۰۷	۰/۰۶۹	۰/۹۴۵

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی ۰/۵۵۶ درصد و ضریب تعیین آن ۰/۵۲۹ است. بنابراین ۵۲/۹ درصد از واریانس مهارت‌های فراشناختی توسط خلاقیت هیجانی تبیین می‌شود. ضرایب بتای به دست آمده نشان می‌دهد که همه عوامل به جز آمادگی، پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت و معنادار



مهارت‌های فراشناختی است. بنابراین رابطه خلّاقیت هیجانی با مهارت فراشناختی دانشجو - معلمان، یک رابطه مثبت و معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های پیش روی آموزش و پرورش، تربیت نیروی انسانی کارآمد است و دانشگاه فرهنگیان رسالت بزرگ و خطیر تربیت نیروهای شایسته و کارآمد را بر عهده دارد. از این رو لازم است گام‌های بلندی، در جهت تحقق این رسالت برداشته شود. به همین منظور، پژوهش حاضر به بررسی رابطه خلّاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی در بین دانشجو معلمان، پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معنادار و مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیقات، اوراکی و داران لی (۲۰۲۳)، مای و همکاران (۲۰۲۰)، پریس و همکاران (۲۰۱۹)، پنکوئن و همکاران (۲۰۱۹)، سالاری‌فر و همکاران (۱۴۰۰)، احمدی (۱۳۹۴)، بابا امیری و عاشوری (۱۳۹۳) و معنوی‌پور (۱۳۸۹)، همسویی و همخوانی دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت راهبردهای فراشناختی به تدریج به افراد کمک خواهد کرد که بتوانند در حل مسائل گوناگون محیط اطراف خود، عمیق‌تر و به شیوه تفکر واگرا و خلاقانه عمل کنند. راهبردهای فراشناختی سطح خلّاقیت آن‌ها را در مهارت‌های انعطاف‌پذیری، بسط، سیالی و اصالت افزایش دهد. از آنجایی که راهبردهای فراشناختی از جمله مهارت‌های روان شناختی سطح عالی ذهن محسوب می‌شوند تقویت نمودن آن‌ها به توانمندسازی درونی و آگاهی‌های درونی افراد کمک خواهد کرد. شیمارو (۲۰۰۰) معتقد است که تنظیم فراشناختی دربر گیرنده توجه، حل تعارض، تصحیح اشتباه، کنترل بازداری شده و تنظیم هیجان است. این جنبه‌های فراشناختی به عنوان یک مدار عصبی میانجی‌گر، نواحی میانی پیشانی را دربر می‌گیرند. هم کنترل فراشناختی و هم کنترل اجرایی، در شکل‌گیری اولیه و قوی فرآیندهای شناختی بالا به پایین مشارکت دارند. بنابراین فراشناخت بیش از هر چیز دیگر، به فرآیندهای کنترل اجرایی مرتبط است. با افزایش کارکردهای اجرایی و افزایش خودتنظیمی، خلّاقیت هم افزایش می‌یابد.

جیا و کائو (۲۰۱۹) دانش فراشناختی افراد را برای انتخاب، ارزیابی و اصلاح راهبردهای شناختی که برای تفکر خلاق مهم هستند، هدایت می‌کند. هنگام انجام یک کار خلاقانه،



بررسی رابطهٔ خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی در دانشجو ...

افرادی که از مهارت‌های فراشناختی برخوردارند بهتر مسأله را با کنترل و نظارت، دنبال می‌کنند و و تداوم شناختی بسیار بیشتری از خود نشان می‌دهند. بنابراین چنجه‌های مختلف فراشناخت با خلاقیت در ارتباط است.

اگر نظام‌های آموزشی به دنبال تربیت فراگیرانی است که بتوانند از عهده حل مسائل مختلف جامعه برآیند و مسئولیت یادگیری خود را برعهده بگیرند؛ باید فراشناخت و خلاقیت فراگیران را در برنامه‌های خود وارد و به ارتقاء مهارت‌های فراشناختی و خلاقیت هیجانی اقدام کنند زیرا مهارت‌های فراشناختی به افراد کمک می‌کنند تا خودشان را با موقعیت‌های جدید سازگار کنند. در این میان فراشناخت نباید به عنوان هدف نهایی آموزش تلقی شود بلکه باید به عنوان فرصت برای مجهز کردن فراگیران به دانش و مهارت‌های لازم به منظور اداره یادگیری خود آنان در نظر گرفت به طوری که آن‌ها برای آینده ماهر و کنجکاو تربیت شوند. فراشناخت در فرآیند یادگیری نقش محوری را ایفا می‌کند. برای معلم و فراگیر تکیه بر فراشناخت به این معناست که فراگیران می‌توانند یادگیری خود را به آگاه شدن از تفکر خود در حین خواندن، نوشتن و حل مسأله افزایش دهند و معلمان می‌توانند به سادگی این آگاهی را با آگاه ساختن فراگیران از راهبردهای حل مسأله مؤثر و بحث کردن درباره ویژگی‌های انگیزشی و شناختی تفکر رشد دهند (پاریس، وینوگارد، ۱۹۹۰).

براساس نتایج پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌های صورت گرفته و با توجه به اهمیت دانشگاه فرهنگیان در رشد شایستگی‌های اساسی در دانشجو - معلمان، نیاز است گام‌های اساسی در جهت ایجاد فضا و بستر مناسب برای رشد همه‌جانبه آن‌ها برداشت. البته تدوین برنامه‌هایی در جهت رشد شایستگی حرفه‌ای در دانشجو - معلمان زمانی مؤثرتر خواهد بود که با توجه به نیازهای جامعه، نظام آموزشی و نیازهای دانش‌آموزان و ویژگی‌های آنان، تنظیم شده باشد. جامعه فعلی ما برای رسیدن به توسعه فرهنگی نیازمند تغییرات جدی در نوع تفکر و یادگیری در دانش‌آموزان است و دانشجو معلمان به عنوان معلمان آینده در زمینه تغییر نوع تفکر دانش‌آموزان نقش مؤثری خواهند داشت؛ زیرا معلم عامل اصلی در اجرای تحولات و نوآوری‌های گوناگون است از این رو معلمان برخوردار از مهارت‌های فراشناختی و خلاقیت، نقش الگویی مناسبی را برای دانش‌آموزان ایفا خواهند کرد.



محدودیت‌های پژوهش

از جمله محدودیت‌های مهم این پژوهش، محدود بودن جامعه آماری به دانشجو - معلمان دختر رشته امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان بود که تعمیم داده‌ها را با مشکل، روبه‌رو ساخت. همچنین در پژوهش حاضر به منظور جمع‌آوری اطلاعات صرفاً از پرسشنامه استفاده شد که استفاده از سایر روش‌ها مانند مصاحبه و مشاهده، ممکن است نتایج متفاوتی را به دست دهد.

پیشنهادها

بررسی اثرات متقابل مؤلفه‌های فراشناختی بر خلاقیت هیجانی و روشن کردن عملکرد فراشناخت در مراحل مختلف فرآیند خلاقیت در مطالعات بعدی پیشنهاد می‌شود. همچنین در پردیس‌ها و مراکز تابعه دانشگاه فرهنگیان، کارگاه‌های آموزشی در زمینه‌ی راهکارهای افزایش مهارت‌های فراشناختی و رشد خلاقیت هیجانی به منظور مجهز کردن دانشجو - معلمان به چنین مهارت‌هایی، برگزار و آن‌ها را برای دنیای در حال تغییر، آماده نمود.



منابع و مآخذ

- احمدی، خالد. (۱۳۹۴). "رابطه خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی"، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
- بابا امیری، ناهید؛ جمال عاشوری. (۱۳۹۳). "ارتباط راهبردهای یادگیری شناختی و فراشناختی، خودکارآمدی، خلاقیت و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی"، فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری. ۲(۳): ۹۳-۱۰۸.
- جوکار، بهرام؛ محبوبه البرزی. (۱۳۸۹). "رابطه شخصیت با خلاقیت هیجانی و شناختی". فصلنامه مطالعات روان شناختی. ۶. (۱): ۸۹-۱۰۹.
- رحیمی، رامین. (۱۳۹۵). "اهمیت دانشگاه فرهنگیان در نظام یادگیری سازمانی وزارت آموزش و پرورش"، اولین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روان‌شناسی، تهران.
- سالاری‌فر، محمدحسین؛ صالحی، منصور؛ مرضیه مزدی. (۱۴۰۰). "نقش دانش فراشناختی، حالت فراشناختی و باورهای فراشناختی در خلاقیت هیجانی". روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه. ۱۰(۴): ۸۶-۹۶.



بررسی رابطهٔ خلاقیت هیجانی با مهارت‌های فراشناختی در دانشجو ...

- سعیدی مبارکه، مجید؛ علیرضا احمدپور (۱۳۹۰). "رابطه سطح خلاقیت و مهارت‌های فراشناختی دانشجویان کامپیوتر با نمرات دروس برنامه‌نویسی". فصلنامه راهبردهای آموزش. ۴، (۳): ۱۲۷-۱۲۱.

- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). روان‌شناسی پرورشی نوین. تهران: نشر دوران.
- عبدالهی، محمدحسین؛ فراهانی، محمدتقی؛ ابراهیمی، احترام. (۱۳۸۷). "بررسی و مقایسه رابطه بین سبک‌های مقابله با تنیدگی، خلاقیت هیجانی و سلامت عمومی در دختران دانشجو"، مجله روان‌شناسی، ۱۲ (۱): ۸۹-۱۰۳.

- قدیری نژادپان، فاطمه. (۱۳۸۱). "بررسی هنجاریابی مقدماتی مقیاس خلاقیت هیجانی بر روی دانشجویان روزانه دانشگاه‌های تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- معنوی پور، داوود. (۱۳۸۹). رابطه خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی با مهارت‌های فراشناختی. تحقیقات روان‌شناختی. ۲(۸)، ۶۳-۷۲.

- هاشمی، سهیلا. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی و خلاقیت دانشجویان هنر و ادبیات و علوم پایه دانشگاه مازندران". اندیشه‌های نوین تربیتی. ۲، (۵): ۱۰۲-۷۹.

- Averill, J. R. , & Nunley, E. P. (1992). *Voyages of the heart: Living an emotionally creative life*. Free Press.
- Amabil, T. M. (2006). *How to Kill Creativity*. Harvard Business Review , 76 (5): 76-87.
- Csikszentmihalyi, M. (1996). *Creativity: Flow and the Psychology of Discovery and Invention*. New York: HarperCollins Publishers.
- Gardner, H. (1993). *Creating Minds: An Anatomy of Creativity Seen through the Lives of Freud, Einstein, Picasso, Stravinsky, Eliot, Graham, and Gandhi*. New York: Basic Books.
- Jia X, Li W, Cao L. (2019). The Role of Metacognitive Components in Creative Thinking. *Front Psychol*. doi: 10. 3389/fpsyg.
- May, J. , Redding, E. , Whatley, S. , Łuczniak, K. , Clements, L. , Weber, R. , Sikorski, J. , Reed, S. (2020). Enhancing creativity by training metacognitive skills in mental imagery, *Thinking Skills and Creativity*, Volume 38, 100739
- Orakci, S. , & Durnali, M. (2023). The mediating effects of metacognition and creative thinking on the relationship between teachers' autonomy support and teachers' self-efficacy. *Psychology in the school*. 3; 60(1): 162-181.
- Paris, SG. , & Winograd, P. (1990). *How metacognition can promote academic learning and instruction*. In: Jones BF, Idol L, editors. *Dimensions of thinking and cognitive instruction*.



دانشگاه مازندران

۶۵

سال اول، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۱

- Palincsar. A. S. , & Brown, A. L. (1984). Reciprocal teaching of comprehension fostering and comprehension monitoring activities. *Cognition and Instruction*. 1. 117-175.
- Pennequin, V. , Questle, F. , Delaville, E. , Delugre, M. , & Maintenant, C. (2019). Metacognition and Emotional regulation in children from 8 to 12 Years old. *British Journal of Educational psychology*.
- Preiss, DD. , Ibaceta, M. , Ortiz, D. , Carvacho, H. , & Grau, V. (2019). An Exploratory study on mind wandering, metacognition and verbal creativity in Chilean High school students. *Frontiers in psychology*, 10, 11-18.
- Randi, J. , & Corno, L. (2000). Teacher innovations in self-regulated learning. In P. Pintrich, M. Boekaerts, & M. Zeidner, *Handbook of self-regulation* (pp. 651–685). Orlando, FL: Academic Press.
- Shimamura, A. P. (2000). Toward a cognitive neuroscience of metacognition. *Consciousness and cognition*, 9, 313- 323.
- Sperling, RA. , Howard, BC. , Miller ,LA. , Murphy, C. (2002). Measures of children's knowledge and regulation of cognition. *Contemporary educational psychology*. 1; 27(1): 51-79.
- Valois RF, Zullig KJ, Hunter AA. (2015). Association between adolescent suicide ideation, suicide attempts and emotional self-efficacy. *Journal of Child and Family Studies*. ;24(2): 237-48.





فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات بین رشته‌ای در آموزش

دوره اول / شماره اول / زمستان ۱۴۰۱ / ۵۱-۶۶

Interdisciplinary Studies in Education

Vol. 1, No. 1. Winter 1401, 51-66

<https://ise.cfu.ac.ir/>

DOI: 10.22034/ISE.2023.13292.1021

Examining the Relationship Between Emotional Creativity and Metacognitive Skills in Student Teachers

Shekoofeh Rahimpour, Afsaneh Raisi, Saeedeh Ramesh

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the relationship between cognitive creativity and meta cognitive skills of Farhangian University students. The research method was descriptive-correlation and applied in terms of purpose. The statistical population of the research included all the students of Fatemeh Zahra Farhangian University of Education, Yazd, in the academic year of 1401-1402, who were selected using random sampling method. The research tools included Sterling et al.'s Metacognitive Skills Questionnaire (2002) and Avril and Knowles Emotional Creativity Questionnaire (1991). The results show that there is a significant correlation between emotional creativity and meta cognitive skills. The regression results indicate that 56% of the variance of meta cognitive skills is explained by emotional creativity. The comparison of the results shows that the role of emotional creativity has had a great impact in explaining the meta cognitive skills of students. It is necessary for those involved in the educational system to pay attention to the growth and development of creativity and meta cognition.

Keywords: Metacognitive skills, emotional creativity, student teacher, Farhangian University